

تحلیل نقش متغیرهای کالبدی موثر بر ارتقاء همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، مورد مطالعاتی: مجتمع مسکونی سبحان و گلها در شهر تهران

مهران قنبری مطلق^{۱*} - حمیدرضا عظمتی^۲ - حسین مرادی نسب^۳ - ودیبه ملاصالحی^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).
۲. استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.
۴. استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۳/۰۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

چکیده

فعال‌سازی نقش افراد در فضا زمانی امکان‌پذیر است که رویدادها و برنامه‌های متناسب با بستر محیطی پیش‌بینی و سازماندهی شوند. انسان موجودی اجتماعی است و همواره بقای او وابسته به تعامل، همبستگی و ارتباط با دیگر انسان‌ها بوده است. در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا قابلیت‌های فضایی و مؤلفه‌های کالبدی محیط و همچنین اصول طراحی مجتمع‌های مسکونی که می‌توانند در ارتقاء حس همبستگی و تعاملات اجتماعی ساکنان مؤثر باشند، شناسایی شود. در نهایت، مدلی برازنده و کارآمد برای طراحی مجتمع‌های مسکونی مبتنی بر تقویت همبستگی اجتماعی ارائه گردیده است. روش پژوهش به شیوه دلفی انجام شد و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌ای دارای پایایی و روایی مناسب جمع‌آوری گردیدند. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از آمار توصیفی و استنباطی و نرم‌افزارهای SPSS و AMOS انجام شد. نتایج مدل ساختاری نشان می‌دهد که ضریب مسیر بین دو متغیر «همبستگی اجتماعی» و «کیفیت محیط کالبدی» برابر با ۰.۸۷ است که حاکی از رابطه‌ای مثبت و در حد متوسط می‌باشد. همچنین، تحلیل روابط میان چهار متغیر پنهان پژوهش - یعنی همبستگی اجتماعی، اجتماع‌پذیری، کیفیت محیط کالبدی و تعاملات اجتماع - قوی‌ترین ارتباط در مدل ساختاری را مشخص کرده است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که با بهبود کیفیت محیط کالبدی در طراحی مجتمع‌های مسکونی، انگیزه برای حضور و انجام فعالیت‌های فردی و اجتماعی ساکنان افزایش می‌یابد. مدل نهایی پژوهش که با ضرایب استاندارد در نرم‌افزار AMOS استخراج شده است، نشان می‌دهد که محیط کالبدی با ضریب مسیر ۰.۸۱ تأثیر مستقیم و معناداری بر شکل‌گیری و ارتقاء همبستگی اجتماعی دارد. همچنین کیفیت محیط کالبدی مجتمع‌های مسکونی با ضریب مسیر ۰.۹۶ بیش‌ترین اثر مثبت را در افزایش میزان همبستگی اجتماعی ساکنان ایفا می‌کند. به طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر آن است که ارتقاء مؤلفه‌های کالبدی و کیفیت فضاهای مسکونی می‌تواند به شکل معناداری بستر تقویت تعاملات اجتماعی، اجتماع‌پذیری و حس تعلق به مکان را فراهم آورد.

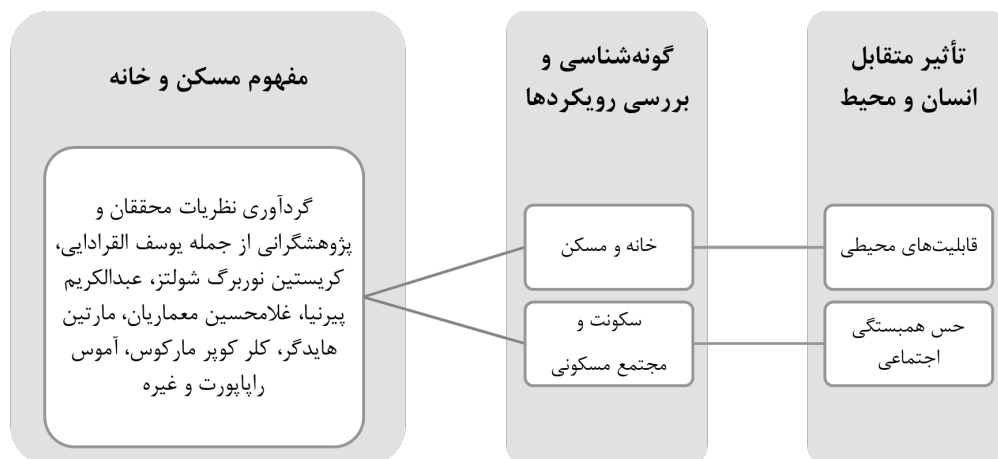
واژگان کلیدی: مجتمع‌های مسکونی، همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، متغیرهای کالبدی.

۱. مقدمه

می‌تواند مکانی مناسب برای شکل‌گیری همبستگی اجتماعی باشد و سرمایه‌گذاری در این عرصه، نتایج مثبتی را به همراه خواهد داشت (Behzadfar 2012). با توجه به اهمیت روزافزون تعاملات اجتماعی و ضرورت توجه به ابعاد انسانی در طراحی محیط‌های مسکونی، پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی کلی مفاهیم همبستگی اجتماعی یا ارزیابی ویژگی‌های فضایی پرداخته‌اند، بدون آن‌که مدلی مشخص و کاربردی برای ارتقاء همبستگی اجتماعی ارائه دهند. بداعت پژوهش حاضر در این است که با شناسایی دقیق مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، مدلی کاربردی و برازنده برای بهره‌برداری در فرآیند طراحی این مجتمع‌ها ارائه کند. این پژوهش با ترکیب رویکردهای نظری و تجربی و بهره‌گیری از تحلیل‌های آماری پیشرفته، در پی مدل‌سازی ارتباط معنادار میان عوامل کالبدی و میزان همبستگی اجتماعی است و تلاش دارد خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین را برطرف نماید. بر این اساس، سوال اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود: «مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی کدام‌اند؟». فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که عواملی نظیر تنوع‌پذیری، خوانایی فضایی، بهره‌گیری از طبیعت، امنیت محیطی، جذابیت فضایی و رویدادپذیری در طراحی مجتمع‌های مسکونی بلندمرتبه، می‌توانند حس همبستگی اجتماعی را ارتقا دهند. بنابراین، میان مؤلفه‌های کالبدی محیط و حس همبستگی اجتماعی، ارتباط معناداری وجود دارد که امکان پیش‌بینی مدل ارتباطی میان این مؤلفه‌ها را فراهم می‌سازد.

انسان موجودی اجتماعی است و همواره حیات او در گرو تعامل، همبستگی و ارتباط با دیگر انسان‌ها بوده است. همبستگی اجتماعی به معنای همان ارتباطی است که منجر به شکل‌گیری رابطه‌ی هویت فرد با محیط و احساس موجودیت فردی او می‌شود. در صورت شکل‌گیری این همبستگی، تعاملات اجتماعی در قوی‌ترین حالت ممکن در فضا رخ می‌دهد. توسعه و ترویج همبستگی اجتماعی، پایداری شخصیتی یک جامعه را به نمایش می‌گذارد. تعامل اجتماعی می‌تواند به صورت نگاه، مکالمه یا هرگونه ارتباط میان افراد شکل گیرد. این تعامل مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب است که در نتیجه، مشارکت فعال افراد در فضا را تقویت می‌کند. بسیاری از نظریه‌پردازان تأکید کرده‌اند که کیفیت تعامل اجتماعی، نقش مهمی در دل‌بستگی افراد به مکان زندگی دارد و بنابراین، میزان موفقیت همبستگی اجتماعی یک فضای عمومی با میزان حضور و استفاده انسان‌ها از آن فضا رابطه مستقیم دارد. بر همین اساس، معماری و شهرسازی باید با هدف افزایش تعامل و همبستگی انسان‌ها طراحی شود (Taghipour and Soltanzadeh 2015). یکی از مهم‌ترین مکان‌هایی که ویژگی‌های فضایی آن‌ها می‌تواند بر ارتقاء همبستگی اجتماعی تأثیرگذار باشد، مجتمع‌های مسکونی در ساختار شهری کنونی است. طراحی نامناسب این مجتمع‌ها، به دلیل عدم توجه به نیازهای انسانی از جمله تعاملات اجتماعی و پیامدهای روان‌شناختی آن، مشکلاتی برای زندگی فردی و اجتماعی ساکنان ایجاد کرده است (Yazdani and Teimori 2012). بنابراین، محیط مسکونی

شکل ۱: ساختار محتوایی پژوهش



و نحوه‌ی زیست انسان در معماری معاصر مورد بازاندیشی قرار گیرد. در این چارچوب، ابعاد کیفی گوناگونی همچون شیوه‌ی بودن انسان در فضا و ضرورت خلق محیطی هماهنگ با نیازهای او مورد توجه قرار گرفت. تلفیق

۲. مبانی نظری

دگرگونی‌های فکری و معرفتی در اواخر قرن بیستم، نگاه انسان به جایگاه و حضور خویش در جهان را دستخوش تغییر ساخت. این تغییر نگرش سبب شد مفهوم سکونت

محیط اجتماعی و معنادار تبدیل می‌شود که امکاناتی غنی برای تعیین هویت در اختیار انسان قرار دهد. به باور شولتز، وظیفه معمار، دادن فرم به فضاها به گونه‌ای است که محتوای لازم برای امنیت و آرامش را فراهم آورند (Schulz 2003). وی سکونت را فراتر از داشتن سقف و مساحت فیزیکی دانسته و آن را به معنای برقراری پیوندی عمیق با محیط، که می‌تواند شامل تمامی سطوح محیط باشد، تفسیر می‌کند و سکنی‌گزینی را هم‌زمان با تعلق خاطر به مکان تعبیر می‌کند (Schulz 2023). هایدگر نیز از منظر پدیدارشناسی به مفهوم سکونت توجه ویژه دارد. وی به هم‌معنایی مفاهیم سکونت و بودن اشاره می‌کند و تأکید می‌ورزد که تفکر در کنار ساختن، بخشی از سکونت است (Taheri 2013). از نظر او، سکونت کردن خاصیت اصلی هستی بوده و سکنی‌گزینی فرآیندی است که طی آن مکان حضور ما به جهانی شخصی، اجتماعی و خانه تبدیل می‌شود (Partovi 2015). بر این اساس، سکونت مفهومی فرامادی است که با شکل‌گیری روابط عمیق و معنادار بین فرد و محیط همراه بوده و در نهایت به ایجاد پیوند میان انسان و فضا منجر می‌شود. فراخوان هایدگر به اندیشیدن به مفهوم سکونت، یادآور اهمیت ابعاد مغفول در تجربه سکنی‌گزینی انسان در زمین است.

دیدگاه‌های فلسفی و رویکردهای علمی نسبت به انسان در دوره‌ی مدرن، بستری فراهم آورد تا ظرفیت‌های محیط مصنوع برای پاسخ‌گویی به نیازهای وجودی و ارتقاء کیفیت سکونت، دوباره بررسی و بازتفسیر شوند. با این حال، توجه به آموزه‌های دینی و مفاهیم مابعدطبیعی سکونت در اندیشه و طراحی محیط، به دلیل ماهیت غیرمادی آن، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است (Taheri 2012). مفهوم سکونت به دلیل پیوند عمیق با وجود انسانی، ماهیتی درونی و بنیادین دارد. در زبان فارسی، واژه «درون» از «در» و واژه‌ی «تو» علاوه بر اشاره به درون یا خانه، ضمیر اشاره به باطن انسان نیز است. این اصطلاحات به روشنی دلالت بر پیوند میان خانه، انسان و درون او دارند. بر این اساس، سکونت در اصل دعوتی برای بازگشت به عالم درونی انسان است. با این حال، تحقق سکونت نیازمند پیوند میان درون و برون است؛ به گونه‌ای که از درون، به نظاره و مصاحبت برون نشست (Taheri 2012). فرآیند سکونت بازتابی از ارتباط هویتی و احساسی انسان با محیط است که در نهایت به ایجاد حس تعلق به مکان منجر می‌شود (Mirzaali and Razmi 2015). کریستین نوربرگ شولتز در کتاب «معماری، معنا و مکان» بر این نکته تأکید می‌کند که محیط زمانی به

جدول ۱: مفهوم سکونت و خانه از دیدگاه محققان و پژوهشگران ایرانی و خارجی

معنا و مفهوم	پژوهشگران و محققان
برآورده شدن نیازهای فیزیکی، احساسی و نفسانی	(پوردیهیمی ۱۳۸۰)؛ (اخوت و همکاران ۱۳۹۰)؛ (ذاکری‌زاده ۱۳۹۲)؛ (پورمحمدی ۱۳۹۳)؛ (اولیور ۲۰۰۷)
نیاز به سرپناه	(پیرنیا ۱۳۸۴)؛ (سرتیپی پور ۱۳۹۰)؛ (پورمحمدی ۱۳۹۳)؛ (باشلار ۱۹۹۴)
پیوند بین زندگی، خانواده و محیط	(سرتیپی پور ۱۳۹۰)؛ (یزدانی و ابراهیمی ۱۳۹۱)؛ (نجف‌پور و شفیع‌پور ۱۳۹۳)؛ (راهب ۱۳۹۴)؛ (آموس راپاپورت ۱۹۶۹)؛ (کریستین نوربرگ شولتز ۱۹۷۸)؛ (یونگ ۱۹۸۰)
مطابق با فرهنگ و آداب اجتماعی و رسوم مردم	(ذاکری‌زاده ۱۳۹۲)؛ (هاشم‌نژاد و شریفیان ۱۳۹۳)؛ (میرزاعلی و رزمی ۱۳۹۵)؛ (یونی ۱۹۶۵)؛ (آموس راپاپورت ۱۹۶۹)؛ (یونگ ۱۹۸۰)؛ (اولیور ۲۰۰۷)
رسیدن به آرامش و حس تعلق	(طاهری ۱۳۹۲)؛ (راهب ۱۳۹۴)؛ (حائری‌مازندرانی ۱۳۹۵)؛ (احسان حنیف ۱۳۹۷)؛ (کریستین نوربرگ شولتز ۱۹۷۸)؛ (باشلار ۱۹۹۴)؛ (یونسکو ۱۹۹۷)
مترادف و هم‌معنا با بودن و نمادی از خود	(مارتین هایدگر ۱۹۳۵)؛ (کلر کوپر مارکوس ۱۹۹۹)
وابسته به محیط کالبدی و شرایط محیطی	(کریستوفر الکساندر ۱۹۷۸)؛ (وستوی ۲۰۰۶)
حریم خصوصی فضای شخصی و قابل دفاع	(جان لنگ ۱۹۸۷)

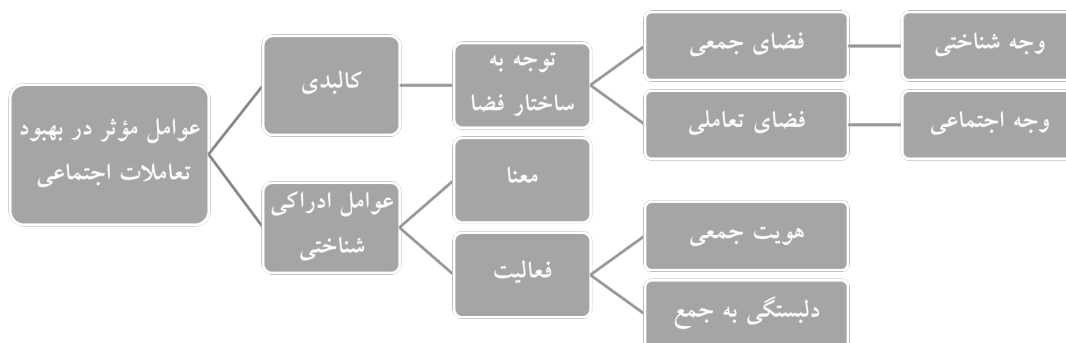
با گسترش مجتمع‌های مسکونی انبوه، اهمیت فضاهای جمعی و چگونگی استفاده از آن‌ها بیش از پیش برجسته شد. در چنین محیط‌هایی، تعامل اجتماعی و روابط میان افرادی که به‌ضرورت در یک مکان گرد هم آمده‌اند، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت زندگی دارد. تجربیات سده‌ی بیستم نشان داده است که درک ناکافی معماران از کارکرد فضاهای جمعی موجب کاهش کارآمدی و کیفیت

عرصه‌های همگانی در محیط‌های مسکونی، بخشی از حیات مشترک ساکنان را شکل می‌دهند و امکان بهره‌برداری گروهی را فراهم می‌کنند. این فضا بستر فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی ساکنان را فراهم می‌کند و به‌طور مستقیم بر کارکرد و محتوای ساختمان مسکونی تأثیرگذار است. به همین دلیل، معماری، جامعه و فرهنگ در این محیط‌ها با هم، پیوندی تنگاتنگ دارند.

و توقف خودرو، فضاهای باز و سبز، و ارتباط میان فضاهای باز و بلوک‌ها تأثیر می‌گذارد. به‌علاوه، فضاهای باز باید مفاهیم و کارکردهای خاصی مانند محل تجمع عمومی، باغچه و فضای سبز، زمین بازی کودکان، مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری را در خود جای دهند (Amini et al. 2013). در بررسی تعاملات اجتماعی، مفاهیمی مانند همسایگی، رویارویی اجتماعی انفاقی، مشارکت اجتماعی و حمایت اجتماعی اهمیت دارند. همسایگی به تعامل میان ساکنانی اشاره دارد که در یک بلوک یا محله زندگی می‌کنند، در حالی که ارتباط اجتماعی غیررسمی می‌تواند میان افرادی باشد که یکدیگر را نمی‌شناسند یا همسایه نیستند. مشارکت اجتماعی به تعاملاتی اطلاق می‌شود که حول مسائل مربوط به جامعه شکل می‌گیرند و حمایت اجتماعی به شبکه‌های دوستی و گروه‌های کوچک مرتبط است که می‌توانند احساس توجه و تعلق به یکدیگر را پرورش دهند. چنین تعاملاتی باعث آشنایی ساکنان با یکدیگر و تقویت حس تعلق به جامعه بزرگ‌تر می‌شوند (Kim and Kaplan 2004).

محیط‌های مسکونی شده است. بررسی نقش فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی، به‌ویژه از منظر کالبدی و معماری، ضرورتی اساسی در تحلیل کیفیت این محیط‌ها به‌شمار می‌آید. اغلب این جنبه، علی‌رغم اهمیت آن در تأمین امنیت محیط و شیوهی استفاده ساکنان، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است (Ghaedi 2014). برای تحلیل مسائل مرتبط، شناخت تعاریف مربوط به مجتمع‌های مسکونی اهمیت زیادی دارد. یک مجتمع مسکونی ممکن است ترکیبی از انواع واحدهای مسکونی مانند خانه‌های تک‌خانواری، آپارتمان‌های کم‌طبقه، میان‌مرتبه و برج‌های بلندمرتبه را در بر گیرد. طراحی چنین مجموعه‌ای صرفاً به هم‌نشینی بلوک‌های ساختمانی مشابه محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم نگاهی جامع و هدفمند به ساختار فضایی و کیفیت زیست‌پذیری آن است؛ این فرآیند شامل ایجاد محصوریت فضایی، فراهم آوردن فضای باز با کیفیت، و شکل‌دهی ترکیب زیباشناسانه بین توده‌های ساختمانی و فضاهای شهری است. جانمایی بلوک‌ها و تعیین فاصله بین آن‌ها نیز اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بر نورگیری، دسترسی

شکل ۲: عوامل مؤثر در بهبود تعاملات اجتماعی



(Lashgari and Soheili 2022)

در مواجهه با عوامل مشابه و چرایی و چگونگی آن است. پدیدارشناسی بر تجربه‌های شخصی از رویدادها و ادراک فرد تمرکز دارد و رفتار انسان را تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی، پیشینه ذهنی و فرهنگی تحلیل می‌کند. نیروی انگیزشی فرد، او را به سمت رفتارهایی سوق می‌دهد که توانایی‌های بالقوه‌اش را بالفعل ساخته و به رشدی فراتر از وضعیت کنونی دست یابد. این رویکرد هر گونه جبر روانی، زیستی، اجتماعی یا اقتصادی در رفتار را رد کرده و آزادی انسان در تصمیم‌گیری و اقدام را تأکید می‌کند.

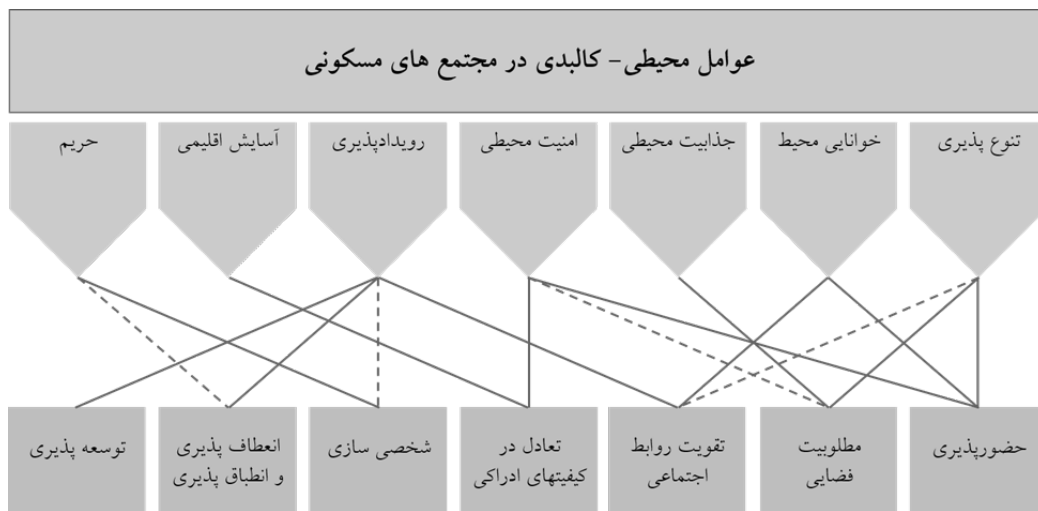
مطالعات متعددی حول مفهوم «قابلیت‌ها» در محیط و اکولوژی صورت گرفته است. جیمز گیسون، که تحصیلات خود را در دانشگاه پرینستون گذرانده و رویکرد خود را «روان‌شناسی بوم‌شناختی» معرفی کرده، معتقد است که محیط با خصوصیت‌های معنادار خود، قابلیت‌هایی برای انجام عمل -چه مطلوب و چه نامطلوب- به موجودات

استیفن هال، بر اساس نظریه‌ی محیط‌های اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز، فاکتورهای مؤثر بر تعامل اجتماعی را شامل امکان تماس چهره‌به‌چهره، کاهش فاصله‌های تعاملی در حرکت و مکث تا فاصله‌های اجتماعی مشورتی دانسته است. اوسکو و گوسکه نیز بر این باورند که همبستگی اجتماعی موجب شکل‌گیری رابطه‌ی هویتی میان افراد و محیط فیزیکی و اجتماعی شده و به فرد احساس «وجود» می‌دهد. آن‌ها مؤلفه‌هایی مانند سرعت حرکت، مقیاس، جهت‌ها و محیط‌های تعاملی اجتماعی را از جمله عوامل مؤثر بر درجه و میزان تعاملات می‌دانند (Lashgari and Soheili 2022). شدت این تأثیرات به قدری است که جان لنگ اظهار می‌کند: در صورت دل‌بستگی مردم به فضاها و محیط‌ها، تعامل اجتماعی در بالاترین سطح خود قرار می‌گیرد (Lang 2002). دیدگاه پدیدارشناختی، جنبه‌های گسترده‌تری از رابطه‌ی انسان و محیط را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله مباحث این رویکرد، تفاوت رفتار افراد

تاریخ و فرهنگ شهری و ایجاد احساس تعلق و هویت دارند. عناصر کالبدی و ویژگی‌های محیط فیزیکی نقش بنیادینی در ایجاد و گسترش روابط اجتماعی، چه در سطح ساده و چه در سطح پیچیده، ایفا می‌کنند. معیارهای عینی مانند کیفیت عملکردی، فعالیت‌پذیری، نفوذپذیری و دسترسی، به‌طور مستقیم با تعاملات اجتماعی مرتبط بوده و بر آن‌ها تأثیرگذارند (Behzadfar and Tahmasbi 2013). به‌طور کلی، طراحی یک فضای عمومی مؤثر که قادر باشد افراد و گروه‌های گوناگون را جذب کند، نیازمند فراهم کردن قلمرو مشخص، امنیت، ساختار یکپارچه، تداوم و وضوح، پیش‌بینی‌پذیری، امکانات مناسب، پاسخگویی به نیازها، آسایش فیزیکی، اطلاعات کافی و جذابیت محیطی است؛ عواملی که همگی در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی نقش دارند (Nesari et al. 2016). بر اساس بررسی و تحلیل پژوهش‌های داخلی و خارجی پیرامون عوامل محیطی مؤثر بر همبستگی اجتماعی، مؤلفه‌های کالبدی مؤثر شناسایی شده و در قالب مدل مفهومی مبانی نظری پژوهش در شکل ۳ ارائه شده است.

می‌دهد (Gibson 2015). به بیان دیگر، معنا یا ارزش محیط از طریق قابلیت‌هایی که فراهم می‌کند مشخص می‌شود. برخی از این قابلیت‌ها ذاتی هستند و برخی دیگر از طریق تجربه و توجه درک می‌شوند. قابلیت‌ها در حقیقت بیانگر خصوصیات معنایی و کارکردی محیط‌های کالبدی و اجتماعی‌اند که در تعامل میان انسان و محیط شکل می‌گیرند. کالبد محیط، نقش مهمی در ارتقاء زندگی جمعی دارد. توجه به پیچیدگی‌های محیط باعث درگیری ذهنی بیش‌تر ناظر با محیط و به‌تبع آن ارتباط و تعامل بالاتر می‌شود. یک محیط یکنواخت، جذابیتی برای سکون، توجه و تعمق نداشته و در نتیجه تعامل اجتماعی کم‌تری ایجاد می‌کند. از آن‌جا که نخستین درجه‌ی تعامل در محیط، تعامل بصری است، می‌توان از پتانسیل‌های پیچیدگی و تضاد برای افزایش تعامل بهره برد (Arbabzadegan Hashemi and Ranjbar 2009). فضاها و محیط‌های عمومی شهری با فراهم آوردن مکان‌های تجمع، لذت شهروندان از طبیعت و فعالیت‌های اجتماعی را ارتقا داده و نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی، انتقال

شکل ۳: مدل مفهومی پژوهش



۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و کمی و پیمایشی است. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی متغیرهایی است که می‌توانند محیط کالبدی مجتمع‌های مسکونی را به سمت ارتقاء همبستگی اجتماعی و اجتماع‌پذیری هدایت کرده و روابط و تعاملات اجتماعی ساکنین را تقویت کنند. در مرحله نخست، پژوهش از روش دلفی بهره می‌برد تا مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط با محیط کالبدی، همبستگی اجتماعی و تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی شناسایی و استخراج شوند. داده‌ها در مرحله

بعد به‌صورت پیمایشی و میدانی جمع‌آوری خواهند شد. در این راستا، پژوهشگر به‌طور مستقیم و با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد، پرسش‌هایی را از جامعه آماری مطرح می‌کند و از این طریق اطلاعات لازم برای تحلیل آماری گردآوری می‌شود تا مدل ساختاری پژوهش تدوین گردد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۲۸ نفر از ساکنین دو مجتمع مسکونی «سبحان» و «گل‌ها» در شهر تهران است. داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل خواهند شد.

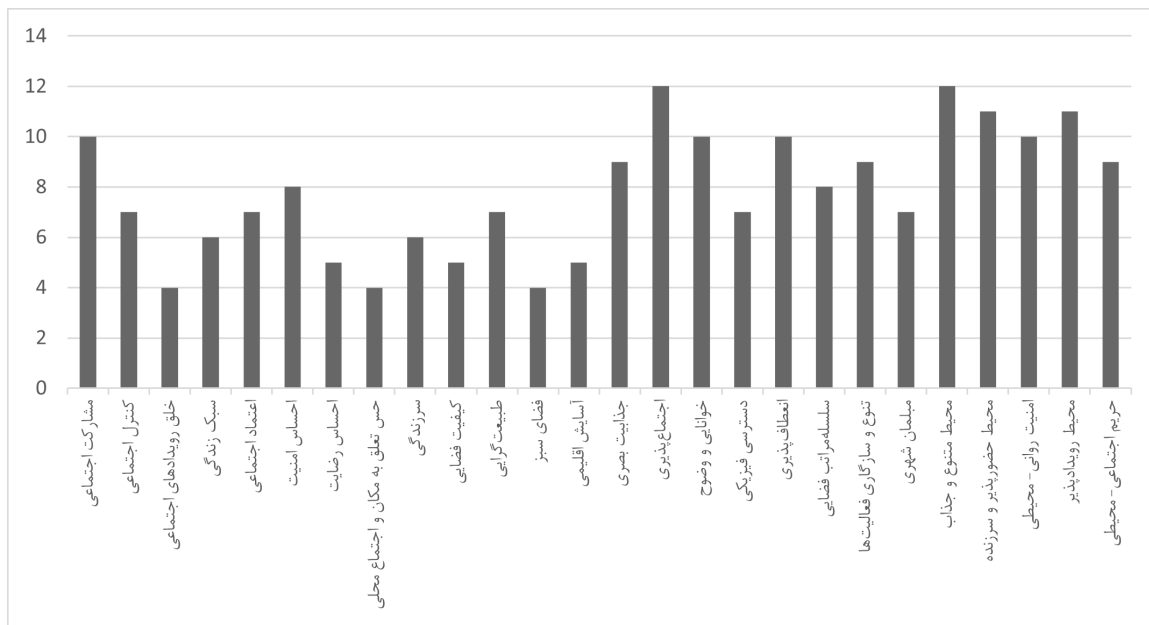
جدول ۲: دسته‌بندی شاخص‌های مؤثر بر همبستگی اجتماعی

مؤلفه	شاخص‌ها
اجتماعی- فرهنگی	مشارکت اجتماعی، کنترل اجتماعی، سبک زندگی، اعتماد اجتماعی، تعاملات اجتماعی و حریم اجتماعی
معنایی- شناختی	احساس امنیت، احساس رضایت، حس تعلق به مکان و اجتماع محلی، سرزندگی، کیفیت فضایی و امنیت روانی
کالبدی- محیطی	طبیعت‌گرایی، فضای سبز، آسایش اقلیمی، جذابیت بصری، محیط متنوع و جذاب، محیط حضورپذیر و سرزنده، و محیط رویدادپذیر
کارکردی	اجتماع‌پذیری، خوانایی، دسترسی فیزیکی، انعطاف‌پذیری، سلسله‌مراتب فضایی، تنوع و سازگاری فعالیت‌ها، و مبلمان شهری

و شکل ۴ شاخص‌ها را بر اساس فراوانی هر کدام نشان می‌دهد. سپس، مولفه‌هایی که فراوانی آن‌ها در هر دسته بیش از میانگین آن دسته بود، انتخاب شدند و به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر همبستگی اجتماعی معرفی شدند (جدول ۳).

مولفه‌های مؤثر بر همبستگی اجتماعی از منابع فارسی و انگلیسی استخراج شدند و بر اساس نظر کارشناسان و صاحب‌نظران، در قالب ساختاری نظام‌مند و چهاربخشی طبقه‌بندی گردیدند. جدول ۲، مولفه‌های استخراج‌شده به همراه شاخص‌های مربوطه را به تفکیک نمایش می‌دهد

شکل ۴: فراوانی شاخص‌های مؤثر بر همبستگی اجتماعی



جدول ۳: مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر همبستگی اجتماعی

مؤلفه	شاخص‌ها
اجتماعی- فرهنگی	اجتماعی، حریم اجتماعی
معنایی- شناختی	سرزندگی، کیفیت فضایی، امنیت روانی
کالبدی- محیطی	آسایش اقلیمی، محیط متنوع و جذاب، محیط رویدادپذیر
کارکردی	اجتماع‌پذیری، خوانایی، تعاملات اجتماعی

هدف از طراحی و ساخت چنین پروژه‌هایی، جذب ساکنین و ایجاد شرایط مساعد برای برقراری تعاملات اجتماعی بیشتر است.

به‌منظور بررسی میزان همبستگی اجتماعی بین اقشار مختلف، دو مجتمع مسکونی سبحان و گل‌ها در شهر تهران (شکل ۵ و ۶) به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند.

شکل ۵: مجتمع مسکونی سبحان



شکل ۶: مجتمع مسکونی گلها



۴. یافته‌ها

در این مرحله، دیدگاه‌های ۲۸ نفر از ساکنین از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شد. در طول این مصاحبه‌ها، تلاش شد تا ایده‌ها و نظرات شرکت‌کنندگان به صورت دقیق و عمیق تحلیل شوند. اطلاعات به دست آمده مورد بررسی و نقد قرار گرفت و لیستی از مفاهیم به صورت پرسش‌نامه‌ای به ساکنین ارائه شد. سپس کدگذاری‌های محوری انجام شد و برای هر پیوستار عنوانی اختصاص داده شد. در نهایت، با ترکیب دوتایی پیوستارها، ۲۸ کدگذاری محوری استخراج گردید که عناوین آن‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

برای بررسی وضعیت روابط همسایگی و میزان همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های انتخاب شده، پرسش‌نامه‌ای شامل سه بخش طراحی شد. بخش اول به جمع‌آوری اطلاعات فردی ساکنین اختصاص دارد و تنوع ویژگی‌های افراد را در جنبه‌هایی مانند جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، مذهب، سن، میانگین درآمد ماهانه، مدت زمان سکونت در مجتمع و نوع مالکیت مسکن مشخص می‌کند. بخش دوم مرتبط با تعاملات میان ساکنین و روابط همسایگی است و خود به سه زیرمجموعه تقسیم شده تا جنبه‌های مختلف ارتباطات اجتماعی بررسی شود. بخش سوم به سنجش میزان رضایت ساکنین از عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی می‌پردازد که این عوامل از مطالعات پیشین استخراج و به صورت دسته‌بندی ارائه شده‌اند.

جدول ۴: مفاهیم حاصل از کدگذاری محوری

مفاهیم حاصل از کدگذاری محوری	پیوستار افقی	پیوستار عمودی
محیط متنوع و جذاب	--	۱ الی ۷
محیط خوانا	۱	۸ الی ۱۳
محیط حضورپذیر و سرزنده	۸، ۲	۱۴ الی ۱۸
امنیت روانی - محیطی	۱۴، ۹، ۳	۱۹ الی ۲۲
آسایش اقلیمی - محیطی	۱۹، ۱۵، ۱۰، ۴	۲۳ الی ۲۵
محیط رویدادپذیر	۲۳، ۲۰، ۱۶، ۱۱، ۵	۲۶ و ۲۷
حریم اجتماعی - محیطی	۲۶، ۲۴، ۲۱، ۱۷، ۱۲، ۶	۲۸
تعاملات اجتماعی - محیطی	۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۲، ۱۸، ۱۳، ۷	--

بسیار بالا پرسش‌نامه است. این مقدار نشان می‌دهد که پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش از اعتبار مناسبی برخوردار است. جزئیات کامل نتایج در جدول ۵ ارائه شده‌اند.

۴-۱- پایایی ابزار گام دوم؛ آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

در این بخش، برای سنجش پایایی پرسش‌نامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پس از انجام پیش‌آزمون، ضریب آلفای کرونباخ ۰.۹۸۳ به دست آمد که بیانگر پایایی

جدول ۵: تأیید پایایی پرسش‌نامه‌های پژوهش (محاسبه آلفای کرونباخ)

گام‌های پژوهش	آلفای کرونباخ	تعداد سئوالات
پرسش‌نامه ساکنین	۰.۹۸۳	۹۶

به خوبی از الگوها پشتیبانی می‌کنند. با توجه به این که مقدار بارهای عاملی در اکثر موارد بالاتر از ۰.۵ است و همچنین شاخص جزئی P برای تمامی گویه‌ها صفر است، می‌توان نتیجه گرفت که گویه‌ها توانایی سنجش داده‌ها را به خوبی دارند.

برای ارزیابی پذیرش شاخص‌ها در الگوهای اندازه‌گیری، ابتدا هر الگوی اندازه‌گیری به صورت جداگانه ترسیم و محاسبه شد. بر اساس نتایج جدول زیر، می‌توان گفت که الگوهای اندازه‌گیری دارای برازش مناسبی هستند؛ به عبارت دیگر، شاخص‌های کلی نشان می‌دهند که داده‌ها

جدول ۶: تأیید پایایی پرسش‌نامه‌های پژوهش (محاسبه آلفای کرونباخ)

شاخص	متنوع و جذاب	خوانا	حضورپذیر و سرزنده	امنیت روانی	آسایش اقلیمی	رویدادپذیر	حریم اجتماعی	تعاملات اجتماعی	مقدار مطلوب وضعیت
خی دو	۸.۹۲	۱۴۱.۳۲	۸.۳۲	۲۴۱.۸۷	۲۳۱.۶۳	۷۰۱.۴۸	۱۱۹.۴۵	۷۱۱.۱۰	-
ریشه میانگین مربعات	۰.۰۳۳	۰.۰۲۵	۰.۰۲۱	۰.۰۲۵	۰.۰۳۸	۰.۰۳۴	۰.۰۳۱	۰.۰۴۳	<۰.۰۵
شاخص برازش تطبیقی	۰.۹۰	۰.۸۷	۰.۸۴	۰.۸۳	۰.۸۳	۰.۹۳	۰.۸۶	۰.۹۱	>۰.۹۰
شاخص برازش افزایشی	۰.۸۶	۰.۹۴	۰.۸۴	۰.۹۳	۰.۸۷	۰.۹۵	۰.۹۲	۰.۸۸	>۰.۹۰
شاخص نیکویی برازش	۰.۵۹	۰.۶۳	۰.۵۴	۰.۵۷	۰.۵۱	۰.۵۵	۰.۵۹	۰.۶۲	>۰.۵۰
ریشه میانگین مربعات خطای	۰.۰۷۷	۰.۰۶۷	۰.۰۷۸	۰.۰۶۴	۰.۰۶۲	۰.۰۷۶	۰.۰۶۵	۰.۰۴۳	<۰.۱
خی دو بهنجار شده	۲.۳۲	۲.۴۳	۲.۵۰	۲.۸۴	۳.۱۲	۱.۸۱	۲.۶۵	۲.۰۲	بین ۱ تا ۳ مطلوب

عاملی انجام شد که یکی از آن‌ها تحلیل عاملی برای پرسش‌نامه ساکنین بود. بر اساس جدول ۷، آزمون KMO و آزمون کرویت-بارتلت ارزیابی شدند. مقدار KMO برابر با ۰.۸۰۷ به دست آمد که بالاتر از ۰.۶ است. بنابراین نتایج آزمون نشان‌دهنده کفایت حجم نمونه می‌باشد.

پس از ورود داده‌ها به نرم‌افزار SPSS، کفایت حجم نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. در صورتی که مقدار آماره کیزر-میر-اولکین (KMO) بالاتر از ۰.۷ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی‌های موجود برای انجام تحلیل عاملی مناسب هستند و کفایت نمونه‌گیری در این مرحله تأیید می‌شود. در این تحقیق، دو تحلیل

جدول ۷: آزمون KMO و کرویت بارتلت برای کفایت حجم نمونه گام اول

میزان اندازه KMO	۰.۸۰۷
کرویت بارتلت	۷۰۸.۱۲۳
Df	۳۷۸
Sig	۰.۰۰۰

از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. این آزمون، ضریب همبستگی بین دو متغیر را به صورت عددی محاسبه کرده و میزان رابطه بین آن‌ها را نشان می‌دهد.

۴-۲- ضریب همبستگی اسپیرمن

برای بررسی میزان همبستگی بین مؤلفه‌های کالبدی طراحی مجتمع‌های مسکونی و حس همبستگی اجتماعی،

جدول ۸: همبستگی بین هریک از مؤلفه‌های طراحی مجتمع مسکونی مبتنی بر همبستگی اجتماعی

	تعاملات اجتماعی	جذابیت محیطی اجتماعی	حریم اجتماعی	خوانایی	حضورپذیری	امنیت محیطی فضایی	تنوع	رویدادپذیری نظارت‌پذیری	آسایش اقلیمی	انعطاف‌پذیری
ضریب اسپیرمن	۱.۰۰۰	-۰.۰۰۳	۰.۱۳۷**	۰.۱۳۳**	-۰.۱۶۱**	۰.۱۳۳**	۰.۱۱۱*	۰.۱۶۳**	۰.۰۱۸	۰.۰۶۹
معناداری	۰	۰.۹۴۷	۰.۰۰۶	۰.۰۰۸	۰.۰۰۱	۰.۰۰۸	۰.۰۲۷	۰.۰۰۱	۰.۷۱۶	۰.۱۶۶
ضریب اسپیرمن	-۰.۰۰۳	۱.۰۰۰	۰.۱۱۸*	-۰.۰۲۶	-۰.۰۲۴	-۰.۰۵۵	۰.۰۴۱	۰.۰۲۵	-۰.۱۸۴**	۰.۰۶۰
معناداری	۰.۹۴۷	۰	۰.۰۱۹	۰.۰۶۴	۰.۰۳۴	۰.۲۷۱	۰.۴۱۸	۰.۶۱۶	۰.۰۰۰	۰.۲۳۳
ضریب اسپیرمن	۰.۱۳۷**	-۰.۱۱۸*	۱.۰۰۰	۰.۰۳۶	-۰.۰۲۷	۰.۱۲۲*	۰.۰۱۱	۰.۰۴۲	-۰.۰۳۳	۰.۰۵۶
معناداری	۰.۰۰۶	۰.۰۱۹	۰	۰.۴۷۷	۰.۵۹۴	۰.۰۱۴	۰.۸۳۱	۰.۴۰۱	۰.۵۱۴	۰.۲۶۲
ضریب اسپیرمن	۰.۱۳۳**	-۰.۰۲۶	۰.۰۳۶	۱.۰۰۰	۰.۰۳۱	۰.۰۵۴	-۰.۰۴۰	۰.۱۰۰*	۰.۰۵۴	۰.۰۸۲
معناداری	۰.۰۰۸	۰.۰۶۴	۰.۴۷۷	۰	۰.۵۳۴	۰.۲۸۵	۰.۴۲۸	۰.۰۴۶	۰.۲۸۲	۰.۰۹۹
ضریب اسپیرمن	-۰.۱۶۱**	-۰.۰۲۴	-۰.۰۲۷	۰.۰۳۱	۱.۰۰۰	۰.۰۵۸	۰.۱۲۹**	۰.۰۶۴	۰.۱۸۸**	-۰.۰۲۸
معناداری	۰.۰۰۱	۰.۰۳۴	۰.۵۹۴	۰.۵۳۴	۰	۰.۲۴۴	۰.۰۱۰	۰.۲۰۱	۰.۰۰۰	۰.۵۷۱

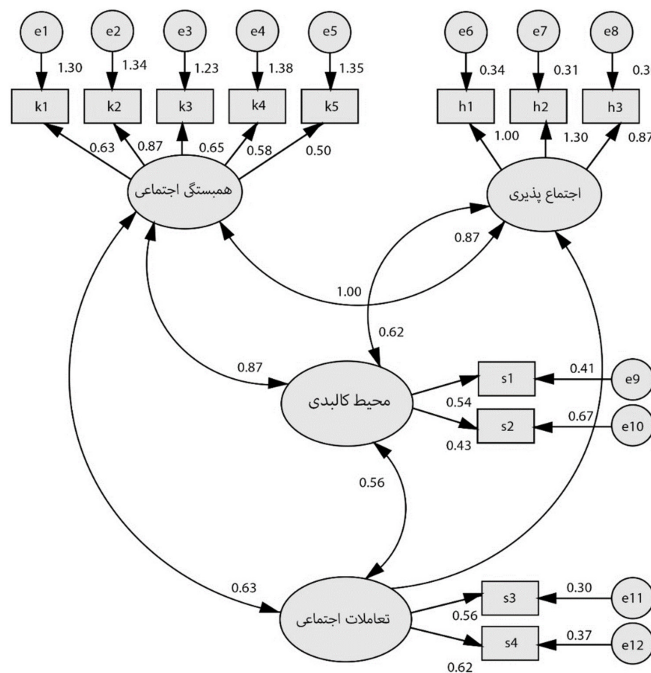
قنبری مطلق، مهران و دیگران

انعطاف‌پذیری اقلیمی	آسایش اقلیمی	انعطاف‌پذیری	رویداد‌پذیری	نظارت‌پذیری	تعدد فضایی	امنیت محیطی	حضورپذیری	خوانایی	حریم اجتماعی	جذابیت محیطی	تعاملات اجتماعی	ضریب اسپیرمن	معناداری
۰.۰۱۵	۰.۰۶۳	۰.۱۶۰**	-۰.۰۲۵	-۰.۰۶۸	۱.۰۰۰	۰.۰۵۸	۰.۰۵۴	۰.۱۲۲*	-۰.۰۵۵	۰.۱۳۳**	ضریب اسپیرمن	۰.۰۰۸	۰.۲۷۱
۰.۷۷۲	۰.۲۰۹	۰.۰۰۱	۰.۶۲۲	۰.۱۷۵	۰	۰.۲۴۴	۰.۲۸۵	۰.۰۱۴	۰.۲۷۱	۰.۰۰۸	معناداری		
۰.۰۷۸	۰.۰۸۸	۰.۰۶۲	۰.۰۰۸	۱.۰۰۰	-۰.۰۶۸	۰.۱۲۹**	-۰.۰۴۰	۰.۰۱۱	۰.۰۴۱	۰.۱۱۱*	ضریب اسپیرمن	۰.۰۲۷	۰.۴۱۸
۰.۱۲۱	۰.۰۸۰	۰.۲۱۶	۰.۸۶۹	۰	۰.۱۷۵	۰.۰۱۰	۰.۴۲۸	۰.۸۳۱	۰.۴۱۸	۰.۰۲۷	معناداری		
-۰.۰۱۲	-۰.۰۵۷	-۰.۰۰۸	۱.۰۰۰	۰.۰۰۸	-۰.۰۲۵	۰.۰۶۴	۰.۱۰۰*	۰.۰۴۲	۰.۰۲۵	۰.۱۶۳**	ضریب اسپیرمن	۰.۰۰۱	۰.۶۱۶
۰.۸۱۰	۰.۲۵۶	۰.۸۶۹	۰	۰.۸۶۹	۰.۶۲۲	۰.۲۰۱	۰.۰۴۶	۰.۴۰۱	۰.۶۱۶	۰.۰۰۱	معناداری		
۰.۰۴۷	۰.۰۷۵	۱.۰۰۰	-۰.۰۰۸	۰.۰۶۲	۰.۱۶۰**	۰.۱۸۸**	۰.۰۵۴	-۰.۰۳۳	-۰.۱۸۴**	-۰.۰۴۳	ضریب اسپیرمن	۰.۳۸۹	۰.۰۰۰
۰.۳۴۷	۰.۱۳۶	۰	۰.۸۶۹	۰.۲۱۶	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰	۰.۲۸۲	۰.۵۱۴	۰.۰۰۰	۰.۳۸۹	معناداری		
۰.۰۱۹	۱.۰۰۰	۰.۰۷۵	-۰.۰۵۷	۰.۰۸۸	۰.۰۶۳	۰.۰۶۲	-۰.۰۱۴	۰.۰۹۴	۰.۰۴۳	۰.۰۱۸	ضریب اسپیرمن	۰.۷۱۶	۰.۳۸۷
۰.۷۰۱	۰	۰.۱۳۶	۰.۲۵۶	۰.۰۸۰	۰.۲۰۹	۰.۲۱۷	۰.۷۸۶	۰.۰۵۹	۰.۳۸۷	۰.۷۱۶	معناداری		
۱.۰۰۰	۰.۰۱۹	۰.۰۴۷	-۰.۰۱۲	۰.۰۷۸	۰.۰۱۵	-۰.۰۲۸	۰.۰۸۲	۰.۰۵۶	۰.۰۶۰	۰.۰۶۹	ضریب اسپیرمن	۰.۱۶۶	۰.۲۳۳
۰	۰.۷۰۱	۰.۳۴۷	۰.۸۱۰	۰.۱۲۱	۰.۷۷۲	۰.۵۷۱	۰.۰۹۹	۰.۲۶۲	۰.۲۳۳	۰.۱۶۶	معناداری		

نظارت‌پذیری؛ به این معنا که با افزایش یک متغیر، متغیر وابسته کاهش می‌یابد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که اغلب مؤلفه‌های مورد بررسی دارای رابطه‌ی مثبت و مستقیم هستند. بنابراین، توجه به این مؤلفه‌ها در طراحی مجتمع‌های مسکونی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء حس همبستگی اجتماعی ساکنان ایفا کند. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌های متخصصین، داده‌های گردآوری‌شده در نرم‌افزار SPSS وارد شده و سپس مدل مفهومی ارتباطی در نرم‌افزار AMOS ترسیم شد. اطلاعات وارد شده از SPSS نیز به AMOS معرفی گردید تا تحلیل‌های ساختاری و برازش مدل انجام شود.

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول فوق، بین مؤلفه‌ی تعاملات اجتماعی با مؤلفه‌های حریم اجتماعی، خوانایی، امنیت محیطی، تنوع فضایی و رویداد‌پذیری همبستگی مثبت مشاهده شد. همچنین، این ارتباط مثبت در میان سایر مؤلفه‌ها نیز وجود دارد؛ از جمله: حریم اجتماعی با تعاملات اجتماعی و امنیت محیطی، خوانایی با رویداد‌پذیری، حضورپذیری با تنوع فضایی و نظارت‌پذیری، امنیت محیطی با حریم اجتماعی و نظارت‌پذیری، و تنوع فضایی با حضورپذیری. علاوه بر این، برخی روابط معکوس و معنادار نیز مشاهده شد؛ مانند تعاملات اجتماعی با حضورپذیری و جذابیت محیطی با حریم اجتماعی و

شکل ۷: مدل معادلات ساختاری فرضیه پژوهش



کالبدی در ایجاد و تقویت حس همبستگی اجتماعی می‌باشد. علاوه بر این، کیفیت محیط کالبدی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه با ضریب مسیر ۰.۹۶ تأثیر مثبت و بسیار قوی بر همبستگی اجتماعی ساکنان داشته است که با توجه به نزدیکی مقدار ضریب به عدد یک، اهمیت بالای آن را نشان می‌دهد. همچنین، ضریب مسیر بین دو متغیر همبستگی اجتماعی و کیفیت محیط کالبدی برابر با ۰.۸۷ به دست آمده است که بیانگر رابطه‌ای مثبت و در سطح متوسط می‌باشد. در مجموع، بررسی روابط چهار متغیر پنهان پژوهش نشان داد که قوی‌ترین ارتباطها در مدل ساختاری بین متغیرهای همبستگی اجتماعی و اجتماع‌پذیری و همچنین کیفیت محیط کالبدی و تعاملات اجتماعی مشاهده شده است. بنابراین، بهبود کیفیت محیط کالبدی در طراحی مجتمع‌های مسکونی می‌تواند به‌طور قابل توجهی انگیزه‌ی حضور و مشارکت در فعالیت‌های فردی و اجتماعی ساکنان را افزایش دهد.

مدل مفهومی پژوهش در شکل ۷ ارائه شده و ضرایب استاندارد آن با استفاده از نرم‌افزار AMOS محاسبه گردیده است. اعدادی که بر روی پیکان‌های مدل مشخص شده‌اند، بارهای عاملی روابط رگرسیونی موجود در مدل را نشان می‌دهند و اعدادی که درون مستطیل‌ها قرار دارند، ضریب کوواریانس هر متغیر مشاهده‌پذیر را نمایش می‌دهند. ضرایبی که بر روی پیکان‌های متغیرهای پنهان (محیط کالبدی، همبستگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری) قرار دارند نیز ضرایب مسیر مربوط به روابط بین این متغیرها را نشان می‌دهند. همان‌طور که از اعداد ارائه شده مشخص است، دو ضریب بالاتر از ۰.۵۰ بوده که بیانگر روابط معنادار و قوی میان متغیرهای مذکور است، در حالی که سایر روابط از شدت کم‌تری برخوردارند. در این پژوهش، محیط کالبدی با چهار گویه ارزیابی شده و ضریب مسیر آن برابر با ۰.۸۱ محاسبه گردید که نشان‌دهنده‌ی تأثیر مستقیم و قوی محیط

جدول ۹: شاخص‌های کلی برازش تحلیل مدل معادلات ساختاری فرضیه پژوهش

شاخص	مقدار	مقدار مطلوب	وضعیت
خی دو	۶۱۲.۱۵	-	-
ریشه میانگین مربعات	۰.۰۴۱	< ۰.۰۵	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی	۰.۹۷	> ۰.۹۰	مطلوب
شاخص برازش افزایشی	۰.۹۳	> ۰.۹۰	مطلوب
شاخص نیکویی برازش	۰.۵۸	> ۰.۵۰	مطلوب
ریشه میانگین مربعات خطای	۰.۰۶۷	< ۰.۱	مطلوب
خی دو بهنجار شده	۱.۶۷	بین ۱ تا ۳	مطلوب

این فرضیه در جدول ۱۰ ارائه شده است. نتایج نشان داد که شاخص‌های کلی برازش مدل در سطح مطلوبی قرار دارند و مدل، تطابق مناسبی با داده‌های پژوهش دارد.

در فرضیه‌ی اصلی پژوهش، تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر میزان سازگاری اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های کلی برازش مدل معادلات ساختاری برای

جدول ۱۰: شاخص‌های کلی برازش تحلیل مدل معادلات ساختاری فرضیه پژوهش

فرضیه	ضریب رگرسیون	مقدار بحرانی	P	نتیجه
محیط کالبدی ← همبستگی اجتماعی	۰.۹۶۱	۱۸.۷۳۱	۰.۰۰۰	تایید
محیط کالبدی ← اجتماع‌پذیری	۰.۹۴۵	۱۷.۴۲۰	۰.۰۰	تایید
محیط کالبدی ← تعاملات اجتماعی	۰.۹۳۲	۱۷.۱۲۶	۰.۰۰	تایید

بر میزان همبستگی اجتماعی ساکنان در مجتمع‌های مسکونی تأثیر معنادار دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بهبود کیفیت محیط کالبدی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء همبستگی اجتماعی ساکنین ایفا کند.

نتایج ارائه شده در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که ضریب تأثیر استاندارد شده برای فرضیه‌ی اصلی پژوهش برابر با ۰.۹۶۱ بوده و مقدار معناداری (P-Value) آن ۰.۰۰۰ به دست آمده است. این یافته‌ها تأییدکننده‌ی فرضیه‌ی اصلی پژوهش هستند و نشان می‌دهند که محیط کالبدی

۵. نتیجه‌گیری

با افزایش جمعیت و کمیاب شدن منابع، رقابت برای دسترسی به این منابع، افراد را به سمت تخصصی شدن مشاغل و گسترش تقسیم کار در جوامع سوق داد. این فرآیند منجر به شکل‌گیری دو نوع جامعه شد: جوامع ساده و ابتدایی و جوامع پیشرفته و مدرن. کیفیت این جوامع بر اساس وجدان جمعی آن‌ها سنجیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در جوامع ابتدایی وجدان جمعی قوی‌تر و در جوامع مدرن یا ارگانیک ضعیف‌تر است. پیامدهای تقسیم کار در جوامعی که هنجارهای پیشرفت به‌طور درونی نهادینه نشده است، می‌تواند به نابسامانی‌های اجتماعی منجر شود. بنابراین، تا زمانی که برابری و عدالت در جامعه تثبیت نشود، تحقق تقسیم کار به‌صورت عادلانه امکان‌پذیر نخواهد بود. حفظ همبستگی اجتماعی در جامعه‌ای همچون ایران که از تنوع هویتی، قومی، فرهنگی، زبانی، نژادی و دینی برخوردار است، امری ضروری است. تقویت همبستگی اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز ارائه راهبردهای عملی برای مقابله با عوامل تهدیدکننده آن باشد؛ به‌گونه‌ای که همزیستی مسالمت‌آمیز میان افراد حفظ شود و در عین حال از مزایای توسعه شهری بهره‌مند گردند. چنین همزیستی‌ای موجب تقویت اتحاد، همدلی و پیشرفت اجتماعی و جلوگیری از بروز ناهنجاری‌ها، بزهکاری، جرائم و تجزیه اجتماعی خواهد شد. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش که «مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی کدام‌اند؟» طراحی شد. برای این منظور، دو مجتمع مسکونی سبحان و گل‌ها در شهر تهران به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌ای پژوهشگرساخته در اختیار ساکنان آن‌ها قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که تعاملات میان ساکنان عمدتاً در سطح شناخت اسمی همسایگان و مکالمه‌های کوتاه است و رفت‌وآمدهای مستمر با همسایگان در سطح

پایین‌تری قرار دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهشگران پیشین مانند بروفی و اسمیت^۲ (۱۹۹۷)، بررور^۳ (۲۰۰۹) و برتومن^۴ و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد که تعاملات اجتماعی در محیط‌های مسکونی را سطحی و محدود توصیف کرده‌اند. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، مؤلفه‌هایی مانند حریم اجتماعی، تعاملات اجتماعی، امنیت محیطی، خوانایی، رویدادپذیری، حضورپذیری، تنوع فضایی و نظارت‌پذیری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت محیط کالبدی تأثیرگذارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتقاء کیفیت محیط کالبدی در طراحی مجتمع‌های مسکونی انگیزه حضور و مشارکت در فعالیت‌های فردی و اجتماعی را در ساکنان افزایش می‌دهد. همچنین، با توجه به ضریب مسیر ۰.۸۷ بین همبستگی اجتماعی و کیفیت محیط کالبدی، این رابطه مثبت و در سطح متوسط است. در میان چهار متغیر پنهان پژوهش، قوی‌ترین رابطه در مدل ساختاری مربوط به ارتباط میان همبستگی اجتماعی و اجتماع‌پذیری و نیز کیفیت محیط کالبدی و تعاملات اجتماعی بوده است. در نهایت، برای ارتقاء همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی فضاهایی که امکان مشارکت ساکنان در فعالیت‌های جمعی را فراهم کنند؛
 ۲. فراهم‌سازی امکان مشارکت ساکنان در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی
 ۳. افزایش امکانات و خدمات رفاهی
 ۴. تدوین و اجرای قوانین مدیریتی مناسب
 ۵. ارائه راهکارهایی برای افزایش احساس تعلق به محیط زندگی
 ۶. افزایش مجاورت و ادغام فضایی اقصاء مختلف جامعه.
- اجرای این اقدامات می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی شهری منجر شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. Vestooi
2. Brophy & Smith
3. Brewer
4. Bertmann

فهرست منابع

- Abdulla, Aldrin, Mohd Najib Mohd Salleh, and Siti Rasidah Md Sakip. 2012. Fear of crime in gated and non-gated residential area. *Social and Behavioral Sciences* 35: 63-73. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.02.063>
- Alexander, Christopher, Sara Ishikawa, and Murray Silversteing. 1977. *A Pattern Language*. Oxford University Press.
- Amini, Saba, Seyed Baqer Hosseini, and Saeed Norouzian Maleki. 2013. "Comparative Study of Residents' Satisfaction in Two Mid- and High-Rise Residential Complexes: Case Studies of Shahid Mahalati and Sobhan Residential Complexes." *Arman-Shahr Architecture and Urbanism* 6(11): 1-13. https://www.armanshahrjournal.com/article_33461.html?lang=fa. [in Persian]
- Arbabzadegan Hashemi, Seyed Alireza, and Ehsan Ranjbar. 2009. "Revisiting the Concept of Contrast in Enhancing Visual Diversity of Public Urban Spaces: Case Study of Baharestan Square. Tehran." *Arman-Shahr Architecture and Urbanism* (3): 49-56. https://www.armanshahrjournal.com/article_32591.html. [in Persian]
- Bazrafkan, Kāveh, and Maryam Gachkou. 2011. "The Role of Public Spaces in Shaping Social Interactions for Creating Social Sustainability in Cities." *National Conference on Civil Engineering, Architecture, Urbanism, and Energy Management*. <https://civilica.com/doc/145163>. [in Persian]
- Behzadfar, Moštafa, and Aرسالān Tahmasbi. 2013. "Identification and Evaluation of Factors Influencing Social Interactions and Strengthening Civic Relations in Urban Streets: Case Study of Sanandaj." *Scientific-Research Journal of Art, Architecture, and Urbanism, Nazar* 10(25). [in Persian]
- Bonaiuto, M., F. Fornara, and M. Bonnes. 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle- And low-Extension Italian Cities, *Revue Européenne de Psychologie Appliquée, European Review of Applied Psychology* 56(1): 23-34.
- Canter, David V. 1977. *The Psychology of lace*. London: Architectural Press.
- Einifar, A., and A. Agha Latifi. 2011, Territory concept in residential complexes, comparative study of two residential complexes on surface and in height in Tehran. *Honarha-Ye-Ziba* 47: 17.
- Feštinger, L. A., S. Schachter, K. Back. 1950. *Social pressures in informal groups*. New York: Harper & Row.
- Ghaedi, Abdolkarim. 2014. "Capability of Public Spaces in Residential Complexes." *Soffeh* 24(67): 23-32. [in Persian]
- Groter, Jörg. 2004. *Aesthetics in Architecture*. Translated by Jahanshah Pakzad and Abdolreza Homayoun. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [in Persian]
- Jacobs, J. 1961. *The dead and life of great American cities*. New York: Random House.
- Kim, Joongsub, and Rachel Kaplan. 2004. Physical and psychological factors in sense of community: new Urbaništ Kentlands and nearby Orchard village. *Environment and behavior* 36(3): 313-340. <https://doi.org/10.1177/0013916503260236>
- Kyungkim, S. 2006. The gate community: residents crime experience and perception of safety behind gates and fences in the urban area. Ph.D. Thesis, Texas A & M University.
- Lang, John. 2002. *Creating Architectural Theory*. Translated by Alireza Eini-Far. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Lashgari, Farnaz, and Jamaledin Soheili. 2022. "The Role of Social Interactions in Creating Environmental Security in Residential Complexes: Case Study of Phase One of Ekbatan Town, Tehran." *Amayesh-e Mohit Journal* 15(59): 69-92. https://journals.iau.ir/article_700067.html. [in Persian]
- Minnery, J. R., and B. Lim. 2005. Measuring crime prevention through environmental design. *Journal of Architecture and Planning Research* 22(4): 330.
- Mirzaali, Mohammad, and Hamidreza Razmi. 2016. "Exploring the Concept of Dwelling in Iranian-Islamic Culture and Architecture." *Third International Conference on Research in Science and Technology, Berlin*. [in Persian]
- Nasari, Bente Alhadi, Abdolhamid Ghanbaran, and Arash Nadami. 2016. "The Effect of Security on Sociability of Open Spaces in Residential Complexes in District 2 of Ilam." *Environmental Studies Haft-Hesar* 5(18): 101-116. <https://hafthesar.iauh.ac.ir/article-1-272-fa.html>. [in Persian]
- Nemāni, Mitra. 2015. Physical Design of Residential Complexes to Improve Quality of Social Interactions. Master's thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. [in Persian]
- Norberg-Schulz, Christian. 2003. *Meaning and Place in Architecture*. Translated by Vida Norouz Barazjani. 4th ed. Tehran: Jan-Jahan. [in Persian]
- Oliver, P., and A. Bridge. 2007. *Atlas of vernacular architecture of the world*. Routledge.
- Partovi, Parvin. 2015. *Phenomenology of Place*. 3rd ed. Tehran: Academy of Arts. [in Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad. 1995. *Translation and Research of Quranic Vocabulary: Linguistic and Literary Interpretation*. Translated by Gholamreza Khosravi Hosseini. Tehran: Mortezaavi. [in Persian]

- Rapoport, Amos. 2013. *The Meaning of the Built Environment*. Translated by Farah Habib. Tehran: Urban Planning & Processing Company. [in Persian]
- Rasoulzadeh, Farzan, Azadeh Shahcheraghi, and Alireza Bandarabad. 2019. "Proposing a Model of Social Capital and Architecture in Residential Complexes Based on Social Construction." *Sustainable Architecture and Urbanism* 7(1): 197-216. <https://doi.org/10.22061/jsaud.2019.5758.1557>. [in Persian]
- Rong, Z. 2010. Improvement and recitalization of public spaces in the historical centre of macao towards the creation of a new sustainable urban environment: Jiangnan University, China.
- Salehi, Esmaeil. 2008. *Environmental Characteristics of Safe Urban Spaces*. 1st ed. Tehran: Urban Studies and Architecture Research Center. [in Persian]
- Sharepour, Mahmoud. 2016. "Right to the City and Urban Public Spaces." *Cultural Heritage and Tourism Research Institute* 2(1): 51-66. <http://pc.richt.ir/article-4-258-fa.html>. [in Persian]
- Taheri, Jafar. 2013. "Rethinking the Concept of Dwelling in Architecture." *Iranian Architectural Studies* (4): 5-22. [in Persian]
- Uni, K. R. 1965. *Social factors in housing, The rural habitat*. Editors: David Oakly, K.Ramman. New Delhi: UNNI, The School of planning & Architecture.
- Yazdani, Samira, and Siavash Teimouri. 2013. "Effect of Open Spaces in Residential Complexes on Increasing Social Interactions of Residents: Case Study of Three Residential Complexes in Isfahan." *City Identity* 7(15): 83-93. <http://noo.rs/3kZSh>. [in Persian]
- Zucker, Paul. 1970. *Town and square from the agora to the village green*. England: The MIT Press.

نحوه ارجاع به این مقاله

قنبری مطلق، مهران، حمیدرضا عظمتی، حسین مرادی نسب، و ودیبه ملاصالحی. ۱۴۰۴. تحلیل نقش متغیرهای کالبدی موثر بر ارتقاء همبستگی اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی، مورد مطالعاتی: مجتمع مسکونی سبحان و گلها در شهر تهران. نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر ۱۸(۵۱): ۹۳-۱۰۷.

DOI: 10.22034/AAUD.2025.478446.2915

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_227446.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

